

رسانه های آمریکا و احتمال حمله نظامی به ایران

۲۴ ژانویه ۲۰۰۶ - در حالیکه روزنامه های محافظه کار در آمریکا نظیر «واشنگتن تایمز» و «نیویورک پست» به آرامی زمینه های تبلیغی را برای حمله نظامی به تأسیسات اتمی ایران آماده می کنند، رسانه های لیبرال هشدار می دهند چنین حمله ای نتیجه عکس خواهد داد و منافع آمریکا را در منطقه بیشتر به خطر خواهد انداخت.



هفته نامه نیوزویک (۳۰ ژانویه) به قلم مفسر امور بین المللی اش آقای فرید زکریا می نویسد، در حال حاضر هیچ کس برنامه ای جدی ارائه نداده که بتواند از پیشرفت برنامه هسته ای ایران به سمت تولید سلاح اتمی جلوگیری کند. به زعم نیوزویک، بمباران ایران یک راه حل جدی نیست. حتی اگر چنین حمله ای از سوی آمریکا بتواند ساختن بمب هسته ای را در ایران چندسالی به عقب بیندازد، در عوض تمام ملت را که احساسات ناسیونالیستی قوی دارد، پشت سر رژیم اسلامی مصمم تر خواهد کرد. نیوزویک اعتقاد دارد فشارهای دیپلماتیک و تحریم های اقتصادی هم ناکارا خواهند بود. از سوی دیگر، اگر آمریکا بخواهد رژیم ایران را تطمیع کند و قول همکاری اقتصادی و امتیازهای دیگر بدهد، باز هم با امتناع رهبری ایران روبرو خواهد شد زیرا مرادفات اقتصادی و تماس های بیشتر با آمریکا، اهرم های قدرت و کنترل شدید آنها را بر جامعه ضعیف می کند.

هفته نامه «تایم» اما اعتقاد دارد که برنامه کاندا لیزا رایس که به طور تدریجی و آهسته فشارهای دیپلماتیک را سخت و سخت تر می کند، شانس موفقیت دارد. این برنامه، سه چهار مرحله دارد که هر یک به طور منطقی به دنبال دیگری می آید: اول، تقاضا برای اجلاس سازمان بین المللی انرژی اتمی که احتمال

ارجاع ایران به شورای امنیت را مورد ملاحظه قرار دهد. چنانچه پرونده به شورای امنیت رفت، اول یک قطعنامه با لحن ملایم از ایران تقاضا خواهد کرد که داوطلبانه عملیات غنی سازی را پایان دهد. پس از دو یا سه ماه، چنانچه ایران قبول نکرد، قطع نامه ای تندتر صادر خواهد شد که خطر ایران را برای صلح جهانی برجسته می کند بدون آنکه اقدامی را علیه ایران توصیه کند. با گذشت چند ماه دیگر، اگر بازهم ایران مخالفت کرد، در مرحله بعد شورای امنیت تحریم های مشخصی که به مردم ایران صدمه نزند، نظیر مصادره حسابهای بانکی دولت ایران در کشورهای اروپایی را توصیه خواهد کرد. این برنامه تدریجی، بنا به نوشته «تایم»، شانس اینکه موافقت روسیه و چین را جلب کند دارد، تا اقدامهای بعدی علیه رژیم ایران پشتیبانی یک ائتلاف بزرگ را داشته باشد.

هفته نامه تخصصی «جینز ویکلی» (Jane's Defense Weekly) که یکی از منابع مهم اطلاعات نظامی و امنیتی است، پیش بینی می کند که احتمال حمله پیشگیرانه آمریکا یا اسرائیل، یا هر دو باهم، در سال ۲۰۰۶ بیشتر از همیشه است. همین هفته نامه، ماه گذشته اطلاعات مشخصی در مورد موشک های بالیستیکی ای که ایران از کره شمالی خریده انتشار داد.

هفته نامه نیوزویک به محافظه کاران آمریکا هشدار می دهد که تغییر رژیم در ایران و تعیین زمان برای آن، تابع خواست و اراده آمریکا نیست. این نشریه می نویسد: «اگر مردم ایران احساس کنند آمریکا قصد به زانو در آوردن آنها را دارد، ما سرعت تغییرات در ایران را یواش خواهیم کرد. سعی نکنیم یک بار دیگر به خودمان بقبولانیم که مردم کشورهای دیگر، با گل و شیرینی به استقبال بمب های آمریکایی خواهند رفت.»

شروع بحث درباره احتمال حمله نظامی به ایران عنوان آخرین گزینه آمریکا

۱۷ ژانویه ۲۰۰۶ - ظرف دیروز و امروز در آمریکا، تعدادی از رسانه ها و نیز جمعی از سناتورهای بانفوذ از هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه اشاره کردند که آمریکا باید در برابر ایران قاطع تر عمل کند و احتمال حمله نظامی را به عنوان «آخرین گزینه» در مد نظر قرار دهد.

دیروز تعدادی از روزنامه ها به نقل از «ساندی تایمز» (چاپ لندن) گزارش دادند که خلبانهای نیروی دفاع اسرائیل به تازگی تمرینات خود را برای حمله هوایی به ایران به پایان رساندند. طبق این گزارش، ناوگان

استراتژیک ۶۹، که حامل جنگنده های «اف ۱۵» است، مجهز به سلاح هایی شده است که برای نخستین بار در این مأموریت مورد استفاده قرار خواهند گرفت. همزمان، دو زیر دریایی حامل موشک های جنگی در خلیج حیف و خلیج فارس به حالت آماده باش در خواهند آمد. روزنامه «جروزالم پست» (۱۵ ژانویه) به نقل از ساندی تایمز می نویسد در این برنامه عملیاتی، پس از حمله هوایی اولیه، هلی کوپترهای جنگنده نیروهای مخصوص «آی دی اف» (نیروی دفاعی اسرائیل) وارد خاک ایران خواهند شد تا مراکز هسته ای ئی را که بار اول هدف قرار نگرفته، از فاصله نزدیک نابود کنند.

اما روزنامه «نیوز دی» (چاپ نیویورک، ۱۴ ژانویه) به نقل از منابع داخل دولت اسرائیل می نویسد اسرائیل قصد ندارد به تنهایی و بدون پشتیبانی آمریکا به ایران حمله کند، زیرا توان نیروی هوایی اسرائیل محدود است و نمی تواند تمام هدف های احتمالی را در داخل ایران، که تعدادشان زیاد است، زیر پوشش حمله هوایی خودش بگیرد. در مورد احتمال حمله هوایی آمریکا به ایران، یک متخصص مهم مسایل ایران، آقای شائول بخاش، استاد دانشگاه جورج میسون در ایالت ویرجینیا، به نیوزدی گفت: «در لحظه حاضر هیچ راه حل واقع بینانه نظامی [برای آمریکا] وجود ندارد، نه تنها به خاطر مشکلات عراق، بلکه بمباران هوایی نیز برای مؤثر واقع شدن باید طی یک مدت طولانی به اجرا گذاشته شود.» آقای شائول بخاش معتقد است تحریم های اقتصادی هم زیاد کارگر نخواهند بود.

دیروز پس از یک جلسه پنج ساعته در لندن با شرکت نمایندگان آمریکا، اروپا، چین و روسیه، اعلام شد روسیه و چین با ارجاع ایران به شورای امنیت مخالف اند. گفته می شود حتی اگر پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع داده شود، کشور چین به خاطر قرار داد هفتاد میلیاردی که اواخر سال ۲۰۰۴ با ایران بسته، حاضر نخواهد شد برضد ایران رأی بدهد. با توجه به همین واقعیت، اکنون به تدریج در بعضی رسانه های آمریکایی و در کنگره این کشور صحبت از «آخرین گزینه» ی آمریکا به میان آمده که همان حمله هوایی و بمباران مراکز هسته ای ایران است. برای نمونه دو روز پیش تعدادی از بانفوذترین سناتورهای آمریکایی از هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه گفتند حتی به بهای بالا رفتن قیمت نفت، باید جلوی ایران را گرفت. سناتور ایالت می سی سی پی آقای «ترنت لات» گفت علاوه بر تعهدات بزرگ نظامی در عراق، آمریکا توان حمله نظامی به ایران را دارد. سناتور ایالت آریزونا، آقای جان مک کین، گفت در لحظه حاضر خطر ایران برای آمریکا به مراتب بیشتر از عراق است و باید به هروسیله ایران را مهار کرد. سناتور ایالت نیویورک آقای چارلز شومر گفت ما باید در قبال ایران محکم و بی انعطاف باشیم. سناتور ایالت ایندیانا گفت جورج بوش می بایست تکلیف ایران را همان یک سال پیش یک سره می کرد. کاخ

سفید به طور رسمی هنوز در جهت تحریم اقتصادی می کوشد اما خانم کاندالیزا رایس پیش از سفر این هفته اش به آفریقا گفت تلاشهای دیپلماتیک نباید زیاد به درازا بکشد و رأی شورای امنیت باید هرچه زودتر به دست آید.

بزرگترین تحوّل در وزارت امور خارجه آمریکا در ارتباط با کشورهای در حال توسعه

۲۰ ژانویه ۲۰۰۶ - به ابتکار خانم کاندالیزا رایس وزیر امور خارجه کابینه جورج بوش، به زودی محل کار و نحوه عملکرد سفیران و کارکنان سفارتخانه های آمریکا در سراسر دنیا دستخوش تغییرات بنیادینی خواهد شد که متناسب است با اوضاع تازه ای که در جهان در حال وقوع است. این تغییرات، به طور اخص، خاورمیانه و آسیای شرقی را در برمی گیرد. تعدادی از رسانه ها، این اقدام را بزرگترین تحوّل در تاریخ وزارت امور خارجه آمریکا خواندند.

وزیر امور خارجه آمریکا در سخنرانی ای که چهارشنبه ۱۸ ژانویه در دانشگاه «جورج تاون» ایراد کرد، گفت: «در شرایط امروز، واضح است که آمریکا باید نیروهای دیپلماتیک اش را در جهان، به مکانهای تازه انتقال دهد؛ بنابراین، ظرف سالهای آینده صدها پُست دیپلماتیک، به نقاط تازه ای که از حساسیت بالا برخوردارند، منتقل خواهند شد.» بنابه گفته خانم رایس، هم اکنون در دنیا نزدیک به دویست شهر مهم، با جمعیت بالای یک میلیون نفر وجود دارد که ایالات متحده در آنها حضور دیپلماتیک ندارد و اینها شهرهایی است که تحرکات سیاسی در آنها با منافع آمریکا ارتباط مستقیم دارد.

علاوه بر استقرار در شهرهای متعدد، کارکنان سفارتخانه ها باید از مهارت های تازه ای نیز برخوردار باشند از جمله دانستن زبانهای محلی نظیر چینی، عربی، اردو و فارسی. دانستن دست کم دو زبان محلی و مشارکت فعال در همکاری برای گسترش نهادهای دموکراتیک، ازین پس شرط ارتقاء مقام در سفارتخانه ها خواهد بود.

خانم رایس این دکترین تازه را «دیپلماسی ایجاد تحوّل» (transformational diplomacy) نام گذاشت. از دلایل مهم شکل گیری این دیپلماسی، رشد روزافزون ضدیت با آمریکا در کشورهای در حال توسعه و مناطق محروم جهان است. بنا به گزارش واشنگتن پست، خانم رایس اعتقاد دارد، حال که دوران جنگ

سرد با کمونیزم به پایان رسیده، مرکز توجه آمریکا باید تروریسم جهانی، قاچاق مواد مخدر و شرایط وجودی آنها یعنی فقر و بیماری و نبود آزادی های دموکراتیک باشد.

خانم کاندالیزا رایس در سخنرانی اش تأکید کرد که هدف «دیپلماسی ایجاد تحول» دخالت در امور داخلی کشورها نیست بلکه هدف، «شراکت و همیاری» (partnership) در امر ارتقاء دموکراسی است. او گفت قصد ما تحمیل ارزش های آمریکایی بر مردم این کشورها نیست و تلاش ما حالت قیّم سالاری (paternalism) نخواهد داشت.

گفته های خانم رایس چنانچه به واقعیت بپیوندد به معنی آن است که استراتژی پردازان سیاست خارجی آمریکا، اکنون در صدد هدف هایی چون «تغییر رژیم های غیر دموکراتیک» و «انقلابهای مخملی» را به سطح سیاست رسمی ارتقاء دهند و این به نوبه خود می رساند که شاید آمریکا ازین پس کمتر به طرحهای پشت پرده براندازی پردازد و بیشتر در صدد کمک آشکار به نیروهای دموکراسی خواه جامعه مدنی که طرفدار همکاری با آمریکا هستند، برخواهد آمد. خانم رایس در سخنرانی اش گفت: «روزی خواهد رسید که مردم به پشت سر نگاه کنند و بگویند ما به راستی خوشحالیم که آمریکا دست همیاری به دوستان اش داد تا آن ارزش ها را بگستراند و حالا ما خاورمیانه ای دموکراتیک داریم سرشار از صلح و رونق اقتصادی، که باعث شده جهان برای همیشه دگرگون شود.»

ایجاد مقام جدید امنیتی در کابینه بوش برای جمع آوری اطلاعات درباره ایران

۱۳ ژانویه ۲۰۰۶ - امروز نیویورک تایمز به نقل از سرپرست امنیت ملی آمریکا اعلام کرد که ایران و کره شمالی به فهرست کشورهای اضافه شدند که اقدامات ضد ترور هسته ای باید درباره شان مورد حداکثر توجه و ارجحیت قرار بگیرد. آقای «جان نگر و پانتی» سرپرست امنیت ملی آمریکا (Director of National Intelligence - DNI)، که مقامی است در حد وزیر کابینه و بر پانزده سازمان اصلی امنیتی کشور نظارت دارد، اعلام کرد که دو مقام ارشد جدید به نام «مدیر عملیاتی» (mission manager) برای ایران و کره شمالی ایجاد شده است که وظیفه شان عبارت است از رهبری استراتژیک در جمع آوری و هماهنگی اطلاعات امنیتی و جاسوسی در مورد ایران و کره شمالی، به ویژه در مورد فعالیت های هسته ای این دو کشور.

مدیر عملیاتی بخش ایران خانم «لسلی آیرلند» (S. Leslie Ireland) است که پیش از این معاون اجرایی سازمان سیا (CIA) بوده است و با سابقه ۲۰ سال کار امنیتی، مسئولیت های قبلی اش شامل معاونت امور اعراب و اسرائیل و مشاور مخصوص در امور مربوط به ایران بوده است. خانم لسلی آیرلند همچنین در دفتر وزیر دفاع آمریکا مدیریت شعبه ایران و کویت را به عهده داشته است. آقای نگرپانتهی گفت مدیران عملیاتی ایران و کره شمالی دارای حداکثر اختیارات هستند و همان اندازه اهمیت دارند که مقام خود او اگر می خواست توجه اش را به یک کشور ویژه معطوف کند.

مواضع آشتی ناپذیر رهبری رژیم ایران در مذاکرات هسته ای به تدریج باعث برجسته شدن خطر امنیتی ایران در رسانه ها و افکار مردم در آمریکا می شود. امروز روزنامه «کریستین ساینس مانیتور»، که روزنامه ای لیبرال است و به طور معمول دیدگاه های ملایمی دارد و خواهان اقدام علیه ایران نبوده، در سرمقاله اش نوشت وقت آن رسیده که غرب پاسخ قاطعی به ایران بدهد زیرا این کشور در حال عبور از «خط قرمز» قدرت هسته ای است. این روزنامه توصیه می کند سه کشور اروپایی با روسیه و چین ائتلافی تشکیل دهند برای تحریم اقتصادی ایران و همزمان اگر عناصر پراگماتیستی درون رژیم ایران خواهان همکاری با غرب باشند، به آنها قول امنیت نظامی و سیاسی داده شود.

دلیل ایجاد مقام امنیتی ویژه ای برای ایران در کابینه بوش، در این حد بالای ارجحیت، نخست کمبود اطلاعات امنیتی از داخل ایران است که سال گذشته کمیسیون ویژه ای از سوی رییس جمهور از آن انتقاد کرده بود، و دیگر اینکه، به نظر می رسد مذاکرات دیپلماتیک برای مهار ایران در کسب نیروی هسته ای دیگر موفقیتی نخواهد داشت. کابینه بوش تاکنون بارها از سوی کنگره و رسانه ها به خاطر کمبود یا نادرستی اطلاعات امنیتی مربوط به عراق، مورد انتقاد شدید قرار گرفته و هم اکنون نمایندگان کنگره و افکار عمومی حاضر نیستند به صرف ادعای مقامات کابینه و اطلاعات کلی و نامطمئن، از هیچ اقدامی علیه ایران حمایت کنند. به نظر می رسد وزارت دفاع و پنتاگون در حال آماده شدن برای زمانی هستند که به زعم خودشان ایران از «خط قرمز» قابلیت تولید سلاح هسته ای گذشته باشد، و برای اثبات چنین امکانی باید اطلاعات موثق جاسوسی و امنیتی برای مجاب کردن کنگره داشته باشند.

اشتباهات جاسوسی آمریکا و بهره گیری دولت ایران در کسب اطلاعات اتمی

۷ ژانویه ۲۰۰۶ - این هفته در آمریکا کتابی منتشر شده که گزارش هایی افشاگرانه درباره عملیات امنیتی دولت بوش در آن آمده است. این کتاب «موقعیت جنگی» (State of War) نام دارد و نویسنده آن «جیمز رایزن» خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز است. این خبرنگار، متخصص اخبار مربوط به جاسوسی و امنیت ملی است که با اتکاء به منابع داخلی و روابطی که با سازمانهای امنیتی آمریکا نظیر «سی آی ا» (CIA) و «ان اس سی» (NSC) دارد، برای روزنامه نیویورک تایمز و لوس آنجلس تایمز، اخبار پشت پرده را در سالهای اخیر گزارش کرده است. یکی از افشاگری های این کتاب، که به صورت گزارشی در نیویورک تایمز هم منتشر شد و جنجال بسیار به پا کرد آن بود که جورج بوش برخلاف قانون به طور مخفیانه دستور داده است که «سازمان امنیت ملی» (National Security Agency) ابناء و شهروندان آمریکایی را که مظنون به ارتباط با اعضای القاعده هستند، زیر پوشش تجسس بگیرد و مکالمات تلفنی و ارتباطات دیگر آنها را مورد استراق سمع قرار دهد. این کار خلاف قانون است و اکنون رییس جمهور در معرض اتهام قانونی قرار گرفته است تا از کار خودش دفاع کند.

افشاگری دیگری که در این کتاب آمده مربوط می شود به فعالیت جاسوسان آمریکایی در ایران. طبق گزارش آقای رایزن، در سال ۲۰۰۰ میلادی سازمان «سی آی ا» در عملیاتی به نام «عملیات مرلین» که پیشتر توسط بیل کلینتون تصویب شده بود، قصد داشت با دادن اطلاعات به ظاهر علمی اما نادرست درباره طرز ساختن کلاهک جنگی برای انفجار بمب، دانشمندان ایرانی را گمراه و نتیجه کارشان را بی اثر و خنثا کند. قرار بود این اطلاعات محرمانه توسط یک جاسوس به مأموران اطلاعاتی ایران تحویل داده شود و آنها کار ساختن کلاهک را برطبق آن اطلاعات شروع کنند. هدف عملیات مرلین این بود که دانشمندان هسته ای ایران سالهای زیاد وقت شان را صرف ساختن کلاهکهای بکنند که حاوی اطلاعات غلط بود و پس از ساخته شدن نمی توانست هیچ انفجاری را باعث شود. اما آمریکایی ها بدآوردند به این ترتیب که یک پناهنده سیاسی روسی که مأمور «سی آی ا» بود و می بایست نقشه های کلاهک ها را به ایرانی ها بدهد، دوجانبه کار می کرده، و موضوع را پنهانی نزد مأموران ایرانی فاش می کند و در نتیجه، بدون اطلاع آمریکا، ایرانی ها که هدف عملیات مرلین را فهمیده بودند، با دقت اطلاعات نادرست را از بخش های درست نقشه های کلاهک جدا کردند و فقط روی قسمت های معتبر آن کار کردند. به این ترتیب طبق گفته آقای رایزن، جاسوسهای آمریکایی ناخواسته به توسعه برنامه اتمی ایران کمک رساندند.

این تنها مورد از اشتباهات جاسوسی آمریکا در قبال ایران نبود. برطبق کتاب «موقعیت جنگی» در سال ۲۰۰۴ میلادی، یکی از مأموران «سی آی ا» پیامی الکترونیکی و رمزی شده به یکی از جاسوسان ایرانی

شان می فرستد اما از قرار، آن فردِ دوم هم جاسوسِ دو سره بوده و برای ایرانی ها کار می کرده. آن پیام رمزی، به اشتباه اسامی تعدادی از جاسوسانِ آمریکا در ایران را دربر داشته است. آقای ریزن می نویسد این اطلاعات به دست مقاماتِ ایرانی می افتد و آنها هم به سرعت همهء آن افراد را شناسایی و دستگیر می کنند.

پس از انتشارِ کتابِ «وضعیت جنگی»، دیروز سخنگوی سازمان «سی آی ا» محتوای آنرا نادقیق خواند، اما صحتِ سایر مطالب این کتاب و کارنامهء خبرنگاریِ نویسنده اش احتمالِ درستیِ گزارش های آنرا زیاد می کند.

ع. کلانتری